

نوعی دیگر از اطلاق منابع

محمدحسین دانایی

پژوهشگران، بخشی از وجود پیل را لمس می‌کرد و براساس همین ادراک جزئی، حکم کلی می‌داد، در حالی که "در کف هر کس اگر شمع می‌بوی - اختلاف از گفتشان بیرون شدی؛ و در ماجرای دوم نیز چهار ناهم‌زمان در پی یک منظور مشترک بودند، اما به خاطر همین ناهم‌زمانی، ناهمدل شده بودند و "در تنازع، مشت بر هم می‌زدند".

اینگونه نظریه پردازی‌ها و مباحثات در صورتی مبارک است و بازار مالی کشور را به سوی کارایی بالاتر رهنمون خواهد شد که از دو اکت مصون بماند و به دو حسن آراسته شود. دو اکتی که باید از آن‌ها پرهیز شود، یکی، غرض‌آلودگی است که عین ضلالت است؛ و دیگری، سطحی‌شدن است، چون نیروها را تحلیل می‌برد، فرصت‌ها را تباہ می‌سازد و نمی‌گذارد که اندیشه‌ها به اعماق اطمینان‌بخش معرفت دست یابند و از صورت رها شوند و به معنا بپردازند. و اما دو حسنی که باید بدان‌ها آراسته شد، یکی، اقتراح نظام‌مند است، و دیگری، کاربردی‌کردن متعهدانه نظریات. اتخاذ سیاست‌های مناسب برای دستیابی به این شرایط نیز بیش از هر نهاد دیگر، به عهده مجامع علمی، به‌ویژه مراکز تحقیقاتی همچون مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پژوهشکده اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی و پژوهشکده پولی و بانکی وابسته به بانک مرکزی و دیگر مراکز تحقیقاتی است که در موضوعات گوناگون اقتصادی فعالیت می‌کنند. در غیر این صورت، پرتاب شدن بی‌هدف اندیشه‌ها و نظریات در بیابان قفر افکار عمومی، نه تنها مباحثه علمی به حساب نمی‌آید، بلکه منازعه‌ای انحرافی است و نتیجه‌ای نخواهد داشت جز اطلاق منابع از نوعی دیگر.

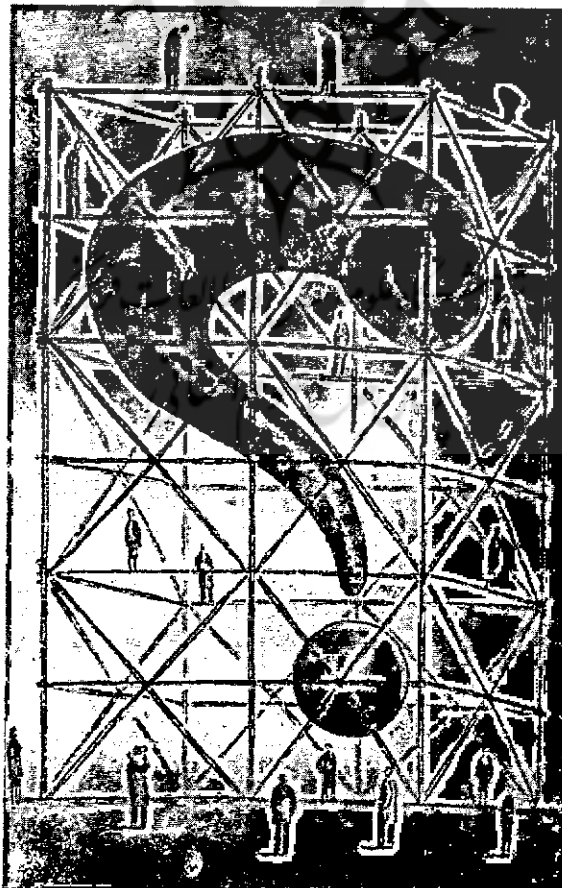
از منابع مالی بسیاری محروم خواهد ماند. طرفه آنکه، در میان این دو سر طیف، نظریات منفردی هم وجود دارد مبنی بر این که مثلاً "بورس، بازار پول است و اساساً نمی‌توان آن را جزو بازار سرمایه به حساب آورد"، یا "در کشوری که نرخ بهره جایگاهی ندارد، چگونه می‌توان از بازار پول صحبت کرد"، یا "دراقتصادهای دولتی، از جمله درکشورخودمان، هیچیک از این دو بازار به معنای واقعی وجود ندارند". این عرصه پرتعارض، یادآور دو تمثیل معروف مثنوی مولوی است: یکی "حکایت پیل و تماشاگران" و دیگری "حکایت فارس و ترک و رومی و عرب" حکایت اول، تمادی از بخشی‌نگری است، بدین صورت که "پیل اندرخانه‌ای تاریک بود" و هر یک از

بازار پول (Money Market) بازاری است شامل موسسات پولی و واسطه‌های پول و اعتبار که به اعطای وام و دریافت وام اشتغال دارند. بازار پول عمدتاً به استقراض‌های کوتاه‌مدت توجه دارد؛ در مقایسه با بازار سرمایه (Capital Market) که در آنجا ابزارهای پولی بلندمدت دادوستد می‌شوند، مانند بازار سهام و اوراق قرضه خصوصی و دولتی.^{۳۸} مشخص‌ترین نماد بازار پول در ایران بانک‌ها هستند و مصداق بازار سرمایه هم بورس اوراق بهادار تهران است. این دو نهاد مالی سال‌هاست که در کنار یکدیگر حضور دارند و نیازهای بازار مالی را - اندکی بیش از کمترین حد مورد انتظار - تامین می‌کنند. اما از چندی پیش بحث ضرورت تفکیک این دو

بازار از یکدیگر مطرح شده و کسانی که به این "ضرورت" باور دارند، کار را تا مرحله تهیه لایحه نیز پیش برده‌اند، لایحه‌ای که البته - هنوز به تصویب مقامات قانونگذار نرسیده و عملیاتی نشده است.

به احتمال زیاد، یکی از عواملی که موجب حرکت آهسته در این روند شده است، همانا وجود نظریات متفاوت و بعضاً متضاد درباره اهمیت و کارکرد این دو بازار است. طیف موافقان و مخالفان نظریه تفکیک بسیار گسترده است، آنچنانکه موافقان با استناد به تجربه دیگر کشورها، این دو بازار را کاملاً مجزا می‌دانند و بر این باورند که عدم تفکیک آنها از یکدیگر، موجب از بین رفتن یکی از آنها خواهد شد، و تفکیک آنها ضروری است، چون باعث افزایش رقابت می‌شود و سرانجام "به نفع اقتصاد ملی است".

از سوی دیگر، مخالفان نظریه تفکیک، به شرایط خاص ایران استناد می‌کنند و معتقدند که اولاً، تفکیک این دو بازار به راحتی امکان‌پذیر نیست؛ ثانیاً، با تفکیک بازار پول و بازار سرمایه، فعالیت بانک‌ها در بورس کاهش می‌یابد و در نتیجه "جامعه



۳۸ فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین‌المللی / حسن گلریز / انتشارات فرهنگ معاصر